

بحث در موضوعات حقوقی راجع به مضاربه

بقیه از شماره قبل

مضاربه عامل با دیگری

مضاربه عامل با غیر نسبت سرمایه بدون اجازه مالک صحیح نیست اعم از اینکه دیگری را در عمل برای خود شریک بگیرد و یا اینکه خود از کار کناره گیری کرده و دیگری را مستقلاً عامل قرار دهد و اعم از اینکه حصه که در عقد اول برای او تعیین شده است تمام آنرا بنفیر (عامل ثانی) واگذار نماید و یا مقداری از آنرا بخود تخصیص دهد و نیز فرقی نیست بین این که مقداری را که بخود تخصیص داده مساوی با سهم عامل ثانی بوده یا کمتر و یا مساوی باشد و بهر حال فرقی نیست بین اینکه عامل خود را بمنزله وکیل مالک قرار داده و سرمایه مورد مضاربه را با همه خصوصیات و بهمان کیفیتی که عقد اول واقع شده است بنفیر واگذار کند بطوری که دیگر او طرف معامله محسوب نبوده و سر و کار مالک با عامل دوم باشد و یا اینکه خود را نسبت سرمایه بمنزله مالک قرار داده و مستقلاً با دیگری مضاربه نماید و ماده ۵۵۴ که باینطور مقرر داشته است (مضارب نمیتواند نسبت بهمان سرمایه با دیگری مضاربه کند یا آنرا بنفیر واگذار نماید) ناظر بیان این دو شق اخیر است

شرح و تفصیل مطلب : مضاربه عامل با دیگری یا باذن مالک است یا بدون اذن و اذن مالک بهامل یا باین نحو است که شخص دیگری را برای عمل تعیین نماید بدون اینکه خود در کار دخالتی داشته باشد و یا باین نحو است که دیگری را با خود شریک در عمل قرار دهد

که در نتیجه دو عامل برای مضاربه تعیین شود و ممکن است اذن مالک مطلق و شامل هر دو قسم باشد در صورت اول عامل نمیتواند از ربح برای خود چیزی منظور دارد زیرا در اینصورت عامل شخص دیگری است و او عملی نداشته است جز اینکه بوکالت از طرف مالک واسطه در واقع ساختن عقد مضاربه و تعیین عامل بوده است و وساطت در تعیین عامل از اعمال تجارتنی محسوب نیست تا بسبب آن واسطه مستحق حصه از ربح شود در حالتی که مقتضای عقد مضاربه اختصاص ربح است به نسبت معینی بین مالک و عامل

اما در صورت دوم و همچنین در جائیکه مالک بطور مطلق اذن داده باشد و نظر باین اذن عامل برای خود شریکی تعیین نماید هر دو نفر بر طبق قرارداد نسبت بسهمی که در عقد اول برای عامل تعیین شده است شریک خواهند بود

در صورتیکه عامل بدون اذن مالک مال مورد مضاربه را بدیگری مضاربه داده و مال را باو تسلیم کرده باشد مسئله شقوقی دارد: سرمایه یا باقی است و یا تلف شده و بهر تقدیر یا نفی از آن حاصل شده است یا نه و بهر صورت عامل ثانی یا با علم بعدم اذن مالک مضاربه را قبول نموده و یا جاهل بوده است

و بالاخره یا مالک عقد دوم را اجازه داده است و یا آنرا رد نموده حکم هر یک از شقوق مفصلاً بشرح آتی است:

مضاربه که عامل با دیگری واقع ساخته است اگر

مالك آنرا امضاء نمود در صورتیکه سرمایه موجود باشد
مالك بان رجوع کرده و آنرا استرداد خواهد کرد
و اگر سرمایه تلف شده باشد مالك نظر بتعاقب
ایادی حق دارد بهر کدام که بخواهد رجوع نموده
و بدل مال خود را مطالبه نماید
پس اگر بمامل اول که طرف مضاربه خود او بوده
رجوع نمود او هم حق دارد بمامل دوم رجوع نماید زیرا
مسئولیت تلف مال بهمه او استقرار یافته است

اما حق رجوع عامل اول باو وقتی است که عامل
دوم با علم و اطلاع از تلف سرمایه بغیر و عدم وجود
اذن مالك قبول مضاربه کرده باشد و لکن اگر از روی
بی اطلاعی و توهم تعلق سرمایه بشخص مضارب یا مأذون
بودن او از طرف مالك اقدام باین امر کرده باشد تلف
مال بهمه او استقرار نیافته و عامل اول حق ندارد باو
رجوع نماید - و برعکس اگر در چنین صورتی مالك
بمامل ثانی رجوع نمود و بدل مالش را از او گرفت او
هم حق دارد بمامل اول که او را افعال و مغرور کرده
رجوع نماید

منافعی که در سرمایه بواسطه خریداری عامل دوم
حاصل میشود در حالتیکه مضاربه با او باذن مالك واقع
نشده باشد یکس تعلق دارد ؟

اگر خریداری عامل ثانی بعین مال مالك بوده
معامله فضولی است و موقوف است با اجازه مالك پس اگر
مالك آن معامله را امضاء و اجازه نمود همه منافع
باو تعلق خواهد داشت بجهت این که عامل اول که طرف
مضاربه بوده کاری نکرده و مضاربه با عامل ثانی هم باذن
مالك نبوده تا مستحق حصه از منافع باشد

و اگر عامل ثانی بتصور مأذون بودن عامل اول از
مالك و یا بتصور مالك بودن خود او طرف مضاربه واقع
شده باشد حق دارد اجرت المثل عمل خود را از عامل اول
که او را افعال و مغرور نموده مطالبه نماید

در صورتی که معامله عامل دوم نسبت بعین مال
نبوده بلکه جنسی را بطور کلی در ذمه خریداری نموده

و متضمن منافعی باشد اگر هنگام وقوع معامله تصریح
باسم مالك کرده و بعد از وقوع مالك آنرا اجازه نماید
معامله بمالك راجع خواهد شد و اگر نامی از مالك نبرده
و قاصد او هم نبوده معامله برای خودش واقع شده و
منافع باو اختصاص خواهد یافت پس بطور مطلق نباید
منافع حاصله را متعلق بمالك اول دانست

بالجمله در صورتی که بین عامل و شخص دیگری
بدون اذن مالك عقد مضاربه واقع شود اگر بعد از وقوع
مالك آنرا امضاء نماید مضاربه دوم صحیح بوده و در
حصه که از ربح بموجب عقد اول برای عامل تعیین گردیده
هر دو عامل شریک خواهند بود و اگر مالك عقد مضاربه
را که بدون اذن او واقع شده است اجازه نمود مضاربه باطل است
و بر این تقدیر اگر خرید عامل دوم بعین مال
مالك بوده صحت آن نیز موقوف با اجازه مالك است و
با اجازه عین و منافع بمالك تعلق خواهد داشت و هیچیک
از دو عامل حقی در ربح ندارند عامل اول حق ندارد برای
اینکه کاری نکرده است و اما عامل دوم برای
اینکه مضاربه که با او واقع شده است باذن مالك نبوده و
فقط در صورت جهالت میتواند از عامل اول اجرت المثل
عمل خود را مطالبه نماید عیناً همین حکم جاری است در
جائیکه خرید عامل ثانی بطور کلی و در ذمه بوده و معامله
را بقصد صاحب مال نموده باشد

اما اگر بقصد عامل اول در ذمه خریداری کرده
منافع متعلق باو خواهد بود زیرا کاری را که بعنوان
مضاربه باو رجوع نموده بمنزله وکالت است
و اگر هیچکدام را قصد نکرده و یا معامله را در
ذمه بقصد خود واقع ساخته باشد عقد راجع بخود او بوده
و ضمان مال نیز بهمه او است و در اینصورت دیگر مستحق
مطالبه اجرت المثل از عامل اول نیست

در سرمایه

مطابق ماده ۵۴۷ سرمایه باید وجه نقد باشد پس
اگر شخصی از دیگری طلبی داشته باشد قبل از وصول
طلب و تبدیل آن بوجه نقد نمیتواند آنرا مورد مضاربه

قرارداد خواه طرف مضاربه شخص مدیون باشد یا دیگری و نیز فرقی نیست بین اینکه مال مورد مضاربه منحصر بدین باشد و یا مال دیگری از نقود بان ضمیمه شود

بموجب ماده مزبور اعیان اموال نیز مادامی که بوجه نقد تبدیل نشده است نمیتواند مورد مضاربه واقع گردد.

وجه نقد اختصاص بمسکوکات طلا و نقره نداشته بلکه شامل هر نوع مسکوک رایجی است و لیسو این که طلا و نقره نباشد

و نیز اسکناس و اوراقیکه در نظر عرف و عادت جزء نقد محسوب و در معاملات دارای اعتبار نقدی است از قبیل مارك و فرانتک و غیره مشمول وجه نقد مذکور در ماده فوق بوده و ممکن است مورد مضاربه واقع گردد و بدیهی است که ثبوت حکم دایر مدار بقای اعتبار اوراق است و الا نه فقط داخل در نقود نبوده بلکه در حکم اشیاء بلاقیمت خواهد بود

وجوه نقدیکه مورد مضاربه واقع میشود باید از حیث مقدار معلوم باشد و مشاهده در آن کافی نیست اما مشاع بودن آن منافاتی با معلومیت مقدار آن ندارد پس ممکن است که شخص نسبت بنصف مبلغی که باو تعلق دارد با معلوم بودن مجموع یا شخص دیگر مضاربه نماید و یا اگر وجه نقدی مشترك بین او و یک نفر دیگر

است سهم خود را با معلوم بودن مقدار آن از ثلث و ربع و غیره بدیگری مضاربه دهد

هر گاه شخصی با عدم اطلاع از امور کسب و تجارت منظوره طرف مضاربه واقع شده و مال مضاربه را دریافت نماید اگر مالك بسا سابقه داشتن باحوال مضارب و علم باینکه از او کاری ساخته نیست اقدام باین امر نموده باشد در این صورت خسارتی از بابت ضرر و زیان سرمایه بمضارب متوجه نخواهد شد

اما اگر مالك با جهل بهجهز و ناتوانی آن شخص این معامله را با او کرده باشد بر این تقدیر هر گونه کسرو نقصانی بر اثر نادانی مضارب در سرمایه حاصل شود مسئولیت و ضمان آن بعهده مضارب خواهد بود و بجهت این که مالی را که مالك باو تسلیم نموده برای عمل مخصوصی بوده و او با علم باینکه انجام آن از عهده او خارج است آنرا قبول کرده و باین سبب مالك را افعال و اغوا نموده است و اگر مالك آگاهی به بی اخلاعی و عدم وقوف او داشت اقدام باین امر نمینمود با این حال نمی توان استیلاء و تصرف مشار الیه را در مال مضاربه مستند بر ضایت و اذن مالك دانست

از استدلال مذکور معلوم میشود که اگر امر بر خود عامل مشتبه بوده و باعتقاد اینکه سر رشته از کار و کسب منظور دارد آنرا قبول کرده باشد نمی توان مسئولیتی متوجه او نمود -م- (بقیه دارد)